

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان:

تشدید فشار آمریکا

و

استراتژی های بازدارنده ج.ا.ایران

(۲۰۰۱-۲۰۰۷)

دانشجو:

علی باقری دولت آبادی

استاد راهنما:

دکتر قاسم افتخاری

اساتید مشاور:

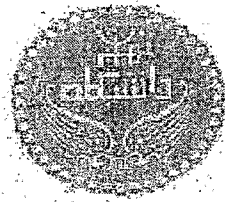
دکتر رضا رئیس طوسی

دکتر محمد رضا تخشید

شهریور ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۷ / ۲۵

۱۰۵۶۶۹



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی روابط بین الملل
گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری : علی باقری دولت آبادی

در رشته : روابط بین الملل

گرایش :

باعنوان : تشدید فشار آمریکا و استراتژی های بازدارنده ایران

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۶/۱۳ با درجه

عالی

ارزیابی نمود .

۲۵ / ۱۳۸۷

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر قاسم افتخاری	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر رضا رئیس طوسی	دانشیار	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر محمد رضا تخشید	استادیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی	دانشیار	دانشگاه علامه طباطبائی	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر تقی امجد	دانشیار	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر ابومحمد عسگر خانی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر بهرام مستقیمی	استادیار	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر ابومحمد عسگر خانی	استادیار	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد

تقدیم به:

پدر و مادرم

که همواره مشوق و یاریگرم برای ادامه تحصیل بودند

و

استاد محترم دکتر قاسم افتخاری
به پاس آنچه از محضرش آموختم

چکیده

علی رغم اینکه در سال های اخیر دو دشمن اصلی ایران _ صدام و طالبان _ توسط آمریکا از میان رفتند ایران پیوسته تسلیحات جدیدی را آزمایش کرده، مانورهای نظامی متعددی را برگزار نموده و تسلیحات آفندی و پدافندی جدیدی خریداری کرده است. این امر این سوال را مطرح می سازد که چرا ایران توانایی های خود برای کسب استراتژی های بازدارنده را پس از ۱۱ سپتامبر شدت بخشیده است. برای پاسخ به این سوال سه فرضیه بعنوان پاسخ های احتمالی در نظر گرفته شدند:

۱- تشدید فشار آمریکا بر ایران پس از ۱۱ سپتامبر

۲- برهم خوردن موازنه قدرت منطقه ای در خاورمیانه

۳- ابراز تمایل ایران برای تامین امنیت منطقه

در بررسی فرضیه های فوق، تشدید فشار آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر بعنوان فرضیه اصلی پژوهش و سایر فرضیه ها بعنوان فرضیه جایگزین رقیب در نظر گرفته شدند. جهت پرداختن به فرضیه های مذکور پایان نامه مشتمل بر یک مقدمه و دو بهره گردید که هر بهره در بردارنده چند فصل است. بهره نخست برهم خوردن موازنه قدرت منطقه ای و ابراز تمایل ایران برای تامین امنیت خاورمیانه را شامل می شود. بهره دوم تشدید فشار آمریکا بر ایران و استراتژی های بازدارنده ایران را مورد بررسی قرار می دهد.

فصل اول از بهره نخست توضیح می دهد که برهم خوردن موازنه قدرت منطقه ای پدیده جدیدی نیست و پیش از آن نیز وجود داشته است. فصل دوم از بهره نخست نیز با این استدلال به پایان می رسد که کشورهای همسایه ایران نسبت به اهداف و توانایی های نظامی ایران بدبین هستند. بنابراین احساس ناامنی کرده نزدیکی با ایالات متحده آمریکا را دنبال می کنند. در بهره دوم علل گرایش ایران به استراتژی های بازدارنده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین استراتژی های نظامی متعارف و غیر متعارف ایران بررسی شد. یافته ها نشان می دهد تشدید فشار آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ایران را تشویق به دنبال نمودن استراتژی های بازدارنده کرده است. استراتژی که از منظر آمریکا سویه غیرمتعارف و به اذعان ایران سویه متعارف دارد.

درود و امتنان بی پایان نثار:

جناب آقای دکتر قاسم افتخاری، استاد ارجمند راهنما، که منش اخلاقی ایشان راهنمای من و روش علمی ایشان راهگشای کار من بود؛

جناب آقای دکتر رضا رئیس طوسی و دکتر محمد رضا تشخیص، اساتید مشاور، که با نکته سنجی ها و نقد های بیجا و مناسب خود به غنای بیشتر این رساله کمک کردند؛

جناب آقای دکتر ابومحمد عسگرخانی و دکتر بهرام مستقیمی که قبول زحمت فرمودند و داوری رساله را برعهده گرفتند. راهنمایی ها و انتقادات ارزنده آنها در اصلاح و ویرایش اثر بسیار کارگشا بود.

جناب آقای دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی و دکتر تقی امجد، اساتید داور خارجی، که بذل عنایت فرموده با قبول داوری رساله، فرصت بهره گیری از ارشادات و راهنمایی های خود را در اختیار نویسنده قرار دادند.

سایر اساتید محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که توفیق شاگردی و خوشه چینی از خرمن معرفت آنها را داشتم.

تقدیر و تشکر از:

دوستان و سروران گرامی در بخش های آموزش، تحصیلات تکمیلی، کتابخانه، دفتر مجله و انفورماتیک دانشکده که در انجام امور اداری و تحصیلی همراه من بودند و امکان دسترسی آسان نگارنده به منابع و مآخذ را فراهم ساختند. همچنین سایر عزیزانی که در طول سال های تحصیل و نگارش این اثر همواره در کنارم بودند.

فهرست مطالب

شماره صفحه	عناوین
۱.....	مقدمه.....
۲۹.....	کلیات.....
۳۰.....	رویکرد کلی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت و حفظ و گسترش منافع خود.....
۳۱.....	الف - دوره آفندی یا صدور انقلاب.....
۳۳.....	ب - دوره پدافندی یا حفظ انقلاب.....
۳۹.....	نتیجه گیری.....
	بهره نخست: برهم خوردن موازنه قدرت منطقه ای، ناکام ماندن استراتژی اتحاد و ائتلاف برای کاستن از تهدیدات خارجی و استراتژی های بازدارنده ایران.....
۴۰.....	فصل اول: برهم خوردن موازنه قدرت منطقه ای و گرایش ایران به استراتژی های بازدارنده.....
۴۱.....	بازدارنده.....
۴۳.....	بخش اول: چارچوب مفهومی موازنه قدرت.....
۴۵.....	بخش دوم: عوامل برهم زننده موازنه قدرت.....
۴۶.....	۱- افزایش قدرت نظامی.....
۴۸.....	۲- جنگ ها.....
۴۹.....	۳- ائتلاف های منطقه ای و جهانی.....
۵۲.....	۴- تغییر در ساختار نظام بین الملل.....
۵۴.....	بخش سوم: موازنه قدرت در منطقه خاورمیانه.....
۵۴.....	الف - موازنه قدرت در منطقه خاورمیانه در دوران جنگ سرد (۱۹۹۱-۱۹۴۵).....
۶۱.....	نتیجه گیری.....
۶۲.....	ب - موازنه قدرت در خاورمیانه پس از جنگ سرد (۲۰۰۱-۱۹۹۱).....
۶۲.....	۱- فروپاشی اتحاد شوروی و پایان رقابت های دو بلوک قدرت (۱۹۹۱).....
۶۲.....	۲- جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۱-۱۹۹۰).....
۶۶.....	۳- امضاء موافقت نامه صلح میان اسرائیل و دولت فلسطین (۱۹۹۳).....

۶۶	۴- همکاری های نظامی میان اسرائیل و ترکیه
۶۷	۵- دست یابی پاکستان به بمب هسته ای
۶۸	نتیجه گیری
۷۰	ج- موازنه قدرت در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر
۷۴	اقدامات قدرت های فرامنطقه ای برای برهم زدن موازنه قدرت در خاورمیانه
۷۴	* فروش تسلیحات بیشتر به همسایگان ایران
۷۷	* تشدید فشارها بر ایران در موضوع هسته ای
۷۸	* دور کردن سوریه از ایران
۸۰	نتیجه گیری
۸۱	بخش چهارم: تلاش های ایران برای افزایش توان نظامی خود
۸۲	الف - تلاش برای خودکفایی و دست یابی به تکنولوژی های برتر
۹۰	ب - افزایش میزان سرمایه گذاری در بخش های نظامی
۹۹	نتیجه گیری
۱۰۱	بخش پنجم: پیامدهای تلاش ایران برای بازدارندگی با ابزار نظامی ستی
۱۰۷	الف - بازتاب تلاش های ایران برای افزایش توان نظامی خود بر کشورهای خاورمیانه
۱۰۷	نگاه خوشبینانه به تلاش ها و پیشرفت های نظامی ایران
۱۱۲	نگاه بدبینانه به تلاش ها و پیشرفت های نظامی ایران
۱۱۵	ب - بازتاب تلاش های ایران برای افزایش توان نظامی خود در نظام بین الملل
۱۱۹	نتیجه گیری و ارزیابی فرضیه نخست
۱۱۶	فصل دوم: افزایش فشار آمریکا و گزینش استراتژی اتحاد و ائتلاف برای بازدارندگی
۱۲۴	بخش نخست: بررسی مشکلات امنیتی منطقه خاورمیانه
۱۲۴	۱- گسترش حرکت های افراطی از سوی برخی گروه های اسلامی
۱۲۶	۲- گسترش تروریسم
۱۲۹	۳- بحران مشروعیت و ناکارآمدی در کشورهای منطقه
۱۳۱	۴- شکاف های قومی - مذهبی در داخل کشورهای منطقه
۱۳۳	۵- وجود اختلافات مرزی در میان کشورهای منطقه
۱۳۵	۶- حضور قدرتهای بیگانه در منطقه
۱۳۷	۷- شکل گیری مسابقه تسلیحاتی در میان کشورهای منطقه
۱۴۴	نتیجه گیری

- بخش دوم: تلاش ایران برای کاربست استراتژی اتحاد و ائتلاف در منطقه ۱۴۵
- الف) نگرش ایران به امنیت منطقه ۱۴۷
- ب) تلاش های ایران برای برقراری امنیت در منطقه ۱۴۹
- ۱- برگزاری نشست های دوجانبه و چندجانبه میان کشورهای منطقه ۱۵۰
- ۲- کمک به حل بحرانهای منطقه‌ای و حمایت مالی - دیپلماتیک از کشورهای بحراندیده ۱۵۱
- ۳- توسعه مناسبات دفاعی چندجانبه بین کشورهای منطقه ۱۵۴۸
- ۴- تلاش برای همگرایی بیشتر کشورهای منطقه و شکلگیری نظام امنیت دسته جمعی ۱۵۷
- ۵- کمک به جلوگیری از نظامی شدن منطقه و حضور بیگانگان در آن ۱۵۹
- ج) چرایی عدم استقبال از اتحاد و ائتلاف با ج.ا. ایران ۱۵۶
- ۱- نقش قدرتهای فرامنطقه‌ای در عدم استقبال از اتحاد و ائتلاف با ج.ا. ایران ۱۶۳
- ۲- عدم وجود توافق بر سر حضور نظامی آمریکا در منطقه ۱۶۴
- ۳- اختلافات ارضی ایران با عراق و امارات متحده عربی ۱۶۵
- ۴- رقابت منطقه‌ای دولت عربستان با ایران ۱۶۵
- ۵- وجود اختلافات قومی، نژادی و مذهبی ۱۶۶
- نتیجه گیری و ارزیابی فرضیه دوم ۱۶۷
- بهره دوم: تشدید فشار آمریکا و گرایش ایران به استراتژی های بازدارنده نظامی ۱۷۱
- فصل اول: تشدید فشار آمریکا بر ایران پس از ۱۱ سپتامبر ۱۷۳
- بخش اول: جایگاه آمریکا در قرن بیست و یکم ۱۷۴
- نتیجه گیری ۱۷۶
- گفتار نخست: برداشت آمریکا از تهدیدات پیش رو ۱۷۷
- نتیجه گیری ۱۷۹
- گفتار دوم: جایگاه ایران در سیاست خارجی و استراتژی امنیت ملی آمریکا ۱۸۰
- نتیجه گیری ۱۸۴
- بخش دوم: استراتژی نظامی آمریکا برای مقابله با تهدیدات جاری ۱۸۵
- الف) تعریف استراتژی ۱۸۵
- ب) مؤلفه های استراتژی نظامی آمریکا ۱۸۶
- ۱- دفاع چندلایه ۱۸۷
- ۲- پیروزی سریع ۱۸۷
- ۳- تدبیر نظامی برای جنگهای دراز مدت ۱۸۸
- ۴- استراتژی تهاجمی ۱۸۸
- ۵- بهره گیری وسیع از فناوری پیشرفته نظامی ۱۸۸

۱۸۹	۶- آمادگی برای جنگ نامتقارن
۱۸۹	نتیجه گیری
	بخش سوم: استراتژی آمریکا برای دستیابی به اهداف خود در مورد جمهوری اسلامی ایران
۱۹۱	۱- استراتژی تغییر رفتار
۱۹۲	۱-۱- براندازی نرم
۱۹۶	۱-۲- وضع تحریمهای مختلف بر ضد جمهوری اسلامی ایران
۱۹۷	* تحریم های آمریکا علیه ایران
۱۹۶	* تحریم های اروپا بر ضد ایران
۲۰۶	* تحریم های سازمان ملل متحد
۲۱۲	۲- استراتژی تغییر رژیم ایران
۲۱۲	۲-۱ الگوی پنجره احتمالات سیاسی اورتون
۲۱۵	۲-۲ طرح کیش و مات
۲۱۶	۲-۳ طرح کان پلان ۸۰۲۲
۲۱۷	۲-۴ عملیات ضربه جهانی
۲۱۸	اندازه های کمی هجوم نظامی
۲۲۴	نتیجه گیری
۲۲۵	بخش چهارم) شاخص های تشدید فشار آمریکا بر ایران
۲۲۶	۱- قرار گرفتن نام ایران در فهرست محور شرارت و در زمره کشورهای متمرّد
	۲- طرح پرونده هسته ای ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل
۲۳۱	نگاهی به قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران
۲۳۳	- بررسی قطعنامه ۱۶۹۶
۲۳۶	- بررسی قطعنامه ۱۷۳۷
۲۳۷	- بررسی قطعنامه ۱۷۴۷
۲۴۰	- بررسی قطعنامه ۱۸۰۳
۲۴۴	۳- افزایش جنگ روانی علیه ایران
۲۴۶	۴- تحرکات نظامی در افغانستان و عراق
۲۴۹	۵- افزایش تعداد نیروها، پایگاههای نظامی و اعزام ناوهای جنگی به منطقه
۲۵۰	۶- تشدید حمایت از گروههای مخالف ایران
۲۵۱	۶-۱- حمایت های مالی از گروههای مخالف ایران

- ۶-۲- حمایت های دیپلماتیک و سیاسی از گروههای مخالف ایران ۲۵۳
- ۷- طرح مجدد پرونده انفجارها و حوادث تروریستی سالهای گذشته و متهم نمودن ایران به دست داشتن در آنها ۲۵۵
- ۸- متهم کردن ایران به دست داشتن در حملات انتحاری و خشونت های افغانستان و عراق ۲۵۶
- ۸-۱- متهم نمودن ایران به دست داشتن در خشونت های افغانستان ۲۵۶
- ۸-۲- ایران و اتهام دخالت در خشونت های عراق ۲۵۹
- ۹- تداوم فشارها بر ایران درخصوص اتهام نقض دموکراسی و حقوق بشر ۲۶۳
- نتیجه گیری ۲۶۵
- فصل دوم: استراتژی های نظامی متعارف ایران برای مقابله با تشدید فشار آمریکا ۲۶۱
- بخش نخست: مولفه های شکل دهنده استراتژی نظامی ایران برای مقابله با تشدید فشار آمریکا ۲۶۸
- گفتار نخست: مؤلفه های شکل دهنده استراتژی نظامی ایران ۲۶۸
- ۱- قانون اساسی ۲۶۸
- ۲- سند چشم انداز ۲۰ ساله ۲۶۹
- ۳- قانون برنامه چهارم توسعه ۲۷۱
- ۴- موقعیت ژئوپولیتیک ایران ۲۷۳
- ۵- سطح و نوع تعارض با سایر بازیگران ۲۷۵
- نتیجه گیری ۲۷۷
- گفتار دوم: استراتژی نظامی ایران ۲۷۸
- ۱- استراتژی نظامی ایران بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ ۲۷۹
- ۲- استراتژی نظامی ایران از پایان جنگ (۱۳۶۸) تا حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ۲۸۲
- ۳- استراتژی نظامی ایران از ۱۱ سپتامبر تاکنون ۲۸۴
- نتیجه گیری ۲۹۰
- بخش دوم: بازدارندگی و عناصر آن در استراتژی نظامی ایران ۲۹۱
- گفتار نخست: مفهوم بازدارندگی و ملزومات آن ۲۹۱
- نتیجه گیری ۲۸۸
- گفتار دوم: مشخصه های بازدارندگی نظامی سستی ایران ۲۹۵
- ۱- بازدارندگی نظامی سستی ۲۹۴
- ۱-۱- دفاع مسطح (موزائیکی) ۲۹۴

- ۲۹۷ ۱-۲- هدف قراردادن متحدین آمریکا در منطقه و جهان
- ۳۰۷ ۱-۳- بهره گیری از کمک متحدین خود در منطقه
- ۳۰۹ ۱-۴- تهدید امنیت صدور انرژی
- ۳۱۴ ۱-۵- جنگ نامتقارن
- ۳۱۷ ۱-۶- عملیات انتحاری
- ۳۲۰ ۲-بازدارندگی نظامی مدرن
- ۳۲۰ بازدارندگی موشکی
- ۳۲۸ ۳-بازدارندگی انکار
- ۳۲۳ نتیجه گیری

گفتار سوم: سیستم پدافند ایران

- ۳۳۰ الف- پدافند غیر عامل
- ۳۳۴ ب- پدافند عامل
- ۳۳۴ ۱- سیستم تور ام-۱
- ۳۳۷ ۲- پدافند هوایی اس-۳۰۰
- ۳۳۸ ۳- پدافند موشک ضد هوایی هاوک
- ۳۳۹ ۴- سیستم موشکی زمین به هوای پچورا
- ۳۳۹ ۵- انواع مختلف توپخانه ضد هوایی
- ۳۴۰ نتیجه گیری

بخش سوم: استراتژی سیاسی بعنوان مکمل استراتژی نظامی ایران برای مقابله با فشارهای

آمریکا

- ۳۴۱ ۱- ایجاد عمق دفاعی استراتژیک در خارج از مرزها
- ۳۴۶ ۲- هزینه مند ساختن حضور آمریکا در خلیج فارس
- ۳۴۹ ۳- بهبود روابط با همسایگان و تلاش برای دور ساختن آنها از آمریکا
- ۳۵۳ ۴- ترغیب کشورهای منطقه به انعقاد پیمانهای دفاعی و نظام امنیت جمعی
- ۳۵۴ ۵- تشویق دولتهای عرب منطقه به جایگزین نمودن یورو بجای دلار در مبادلات نفتی با سایر کشورها
- ۳۵۵ ۶- همکاری با گروهها و کشورهای مخالف سیاست های آمریکا
- ۳۵۶ نتیجه گیری

فصل سوم: استراتژی نظامی غیر متعارف ایران برای مقابله با تشدید فشار آمریکا

- ۳۵۸ بخش اول: برنامه هسته ای ایران
- ۳۶۴ بخش دوم: اتهامات غرب درخصوص وجود اهداف نظامی در برنامه هسته ای ایران
- ۳۷۸ بخش سوم: انگیزه های منسوب به ایران برای گرایش به سمت بازدارندگی هسته ای
- ۳۸۵ گفتار نخست: مدافعان بازدارندگی هسته ای ایران در خارج
- ۳۹۱ گفتار دوم: مدافعان بازدارندگی هسته ای ایران در داخل

نتیجه گیری..... ۳۸۷

نتیجه گیری نهایی..... ۳۹۴

منابع..... ۳۹۶

فهرست جداول

۵۶.....	نظامی ترین مناطق جهان.....
۵۸.....	هزینه های نظامی و انتقال تسلیحات خاورمیانه.....
۵۹.....	واردات تسلیحات کشورهای حاشیه خلیج فارس ۱۹۸۶-۱۹۹۷.....
۶۳.....	تأثیر هزینه های نظامی و انتقال تسلیحات بر اقتصاد کشورهای خاورمیانه در سال ۱۹۹۸.....
۶۴.....	کاهش فزاینده هزینه خرید های تسلیحاتی ۱۹۸۶-۱۹۹۹.....
۷۴.....	نیروهای نظامی موجود در خاورمیانه در ۲۰۰۵.....
۹۰.....	نرخ رشد هزینه های دفاعی.....
۹۳.....	هزینه نظامی بعنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی ۲۰۰۳-۱۹۹۸.....
۹۶.....	واردات تسلیحات به کشورهای خاورمیانه ۲۰۰۶-۱۹۷۷.....
۱۰۳.....	دیدگاه مردم شش کشور عربی درباره برنامه هسته ای ایران.....
۱۳۲.....	توافقات و تحویل تسلیحات توسط کشورهای خاورمیانه ۲۰۰۳-۱۹۹۸.....
۱۳۳.....	تحویل تسلیحات عمده به کشورهای خاورمیانه ۱۹۹۹-۱۹۸۵.....
۱۳۴.....	انتقال تسلیحات به خاورمیانه ۲۰۰۳-۲۰۰۰.....
۱۹۷.....	درصد صادرات و واردات کشورهای اروپایی با ایران (۲۰۰۶).....
۳۲۰.....	سطوح پیشرفت موشک های ایران.....

الف) بیان مساله

در ادبیات سیاسی عموماً دولت‌ها را با انسانها قیاس می‌کنند. همانگونه که انسان در طول زندگی خود خواسته‌ها و آرزوهایی دارد برای دولت‌ها نیز خواسته‌ها و آرزوهایی در نظر گرفته می‌شود. این خواسته‌ها که معمولاً بوسیله نمایندگان کشور یا ملت بیان می‌شود صورت ارزش‌ها یا منافع ملی را بخود می‌گیرد. باز هم بمانند افراد خواسته‌ها یا ارزش‌ها تماماً قابل دسترسی نمی‌باشد و لذا زمامداران یا نمایندگان ملت باید تشخیص بدهند که کدام یک از این خواسته‌ها قابل دسترسی هستند. این خواسته‌های قابل دسترسی ملت به «هدف ملی» تبدیل می‌شوند. چون همه آنها را نمی‌توان همزمان پیگیری کرد، لذا هدف‌های ملی درجه بندی می‌شوند و آنهایی که برآورده ساختنش هم دارای اهمیت است و هم احتمال تحقق‌اش زیاد است تقدم پیدا می‌کنند. البته با دگرگونی شرایط داخلی و بین‌المللی هم هدف‌ها و هم رده بندی آنها معمولاً دستخوش دگرگونی می‌شوند ولی دستگاه فرمانروایی هر کشوری در هر زمانی هدفهای تعیین شده‌ای دارد و برای برآورده ساختن آنها تلاش می‌کند.

دسترسی به هدف‌های ملی از طریق کاربرد مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی، و روانی صورت می‌گیرد که «قدرت ملی» نامیده می‌شود.^۱ به هر حال همه کشورها هدفهای ملی دارند که در بسیاری از موارد ناسازگار و حتی متعارض با یکدیگرند و همه هم در پی آنند که با کاربرد قدرت ملی به هدف‌های ملی خود برسند و بدین ترتیب است که در عالم واقع در سیاست بین‌الملل پدیده‌ای بنام کشمکش بر سر تقسیم امکانات و قدرت بوجود می‌آید. هدفهای ملی در چنین فضای رقابت‌آلود باید برآورده شوند و برای این کار باید راه و روش‌های مناسب با توجه به تمام واقعیات داخلی، منطقه‌ای و جهانی تعیین گردد. تعیین راه و روش، محاسبه سود و زیان، پیگیری اهداف تعیین شده، ابزار و فن و مهارت لازم مجموعاً جریانی است که «استراتژی» نامیده می‌شود و از آنجا که این استراتژی‌ها یا برنامه‌ها برای رسیدن به هدف‌های ملی صورت می‌گیرد و چگونگی کاربرد قدرت ملی را مشخص می‌سازد «استراتژی ملی» نامیده می‌شوند.

^۱ - سید حسین سیف زاده، اصول روابط بین‌الملل، (تهران: دادگستر، ۱۳۷۸)، ص ۱۷۲

در واقع وظیفه استراتژی ملی در دوران جنگ و صلح این است که برای دست یابی به منافع و اهداف ملی، تمام نیروهای ملت را با هم ترکیب کرده، مورد بهره برداری قرار دهد.^۱ این نیروها و امکانات فراهم آمده که ممکن است بصورت سخت افزار یا نرم افزار باشد باید با مهارت لازم و با توجه به شرایط واقعاً موجود بکار بسته شود وگرنه نتیجه مطلوب از آن حاصل نمی گردد. این، همان مرحله تاکتیک یا دیپلماسی است.

درخصوص ایران نگاهی به دوران پیش و پس از انقلاب اسلامی حاکی از وجود دو سیاست خارجی متعارض می باشد. درحالیکه در دوران شاه سیاست خارجی ایران در قالب کلی «حفظ وضع موجود» و در چارچوب برنامه ها و خط مشی های ایالات متحده و غرب در جهت مبارزه با کمونیسم تنظیم و اجرا می گردید و ایران مشمول کمک های اقتصادی، مالی و نظامی گسترده قرار می گرفت.^۲ الگوی سیاست خارجی ایران پس از انقلاب بر مبنای «تغییر وضع موجود» شکل گرفت. ایران سیاست نه شرقی و نه غربی را پیشه خود ساخت. سیاستی که بر اساس تجربیات گذشته، اندیشه های امام و خواست ملت ایران^۳ تنظیم شده بود هرگونه سلطه و یا رابطه ای که منجر به سلطه بیگانگان بر ایران گردد را نفی می کرد. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران مبنای ایدئولوژیک هر دو ابرقدرت _ مارکسیسم و لیبرالیسم _ را زیر سوال می بُرد و با سیاست های خویش منافع آنها در منطقه (شوروی در افغانستان و آمریکا در کشورهای عربی) را بخطر می انداخت بتدریج الگوی روابط آنها با ایران به خصومت کشیده شد.^۴ آنچه که این کشورها را در این میان بیشتر نگران می کرد شعارها و سخنرانی های مسئولین ایران درخصوص تغییر وضع موجود در نظام دو قطبی، غیرعادلانه تلقی کردن نظام جهانی بعنوان قدرت گرا و ثروت گرا و دفاع از مستضعفان در برابر مستکبران بود که بخشی از سیاست خارجی جدید ایران را تشکیل می دادند و در قانون اساسی آن نیز تبلور عینی یافته بودند.^۵

^۱ - علیرضا سنجابی، استراتژی و قدرت نظامی، (تهران: پازنگ، ۱۳۸۰)، ص ۱۰

^۲ - ر.ک به: کامران طارمی، «بررسی ریشه های پیدایش رابطه حامی- پیرو بین ایران و آمریکا در دوران حکومت پهلوی»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، سال پانزدهم، شماره ۲، (تابستان ۱۳۸۲)، صص ۶۳-۳۳

^۳ - شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی یکی از شعارهای محوری مردم در راهپیمایی های پیش از انقلاب اسلامی بود.

^۴ - رمضان، چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۳)، صص ۶۸-

۶۷

۵ - ر.ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ نهم، (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵)، مواد ۱۵۴، ۱۵۲

علی اکبر ولایتی وزیر پیشین امور خارجه ایران این الگوی جدید را اینگونه توصیف می نماید: «دولت اسلامی نه تنها موظف به تلاش و اقدام در جهت دگرگون ساختن پایه های قدرت ظالم و روابط ظالمانه است بلکه اساساً امنیت واقعی و حیاتی مطلوب در سایه این تغییر تامین می شود»^۱

مواضع نظری مطرح شده از سوی برخی شخصیت های داخلی درخصوص تلقی ایران بعنوان «ام القرای جهان اسلام»^۲ و قائل شدن وظیفه رهبری جهان اسلام برای آن و یا تعابیری همچون مادر سرزمین های اسلامی^۳ در کنار اقدامات برخی از گروه های انقلابی که مستقل از دولت دست به اقداماتی در زمینه صدور انقلاب می زدند باعث گردید تا این ترس به کشورهای محافظه کار منطقه نیز سرایت کند و آنان را در مهار ایران با ابرقدرت ها همراه سازد. همراهی و حمایت کشورهای عرب منطقه از رژیم عراق در زمان جنگ هشت ساله و تشکیل شورای همکاری خلیج فارس جهت مقابله با ایران تا حدی بازتاب این ترس بود. این درحالی بود که در اثر جذبه انقلاب اسلامی، آرمانها و اهداف آن از چنان محبوبیتی برخوردار گشته بود که برخی از گروه های سیاسی درون این کشورها (بعنوان مثال عربستان و بحرین) به الگوپذیری از انقلاب ایران پرداخته و درصدد تحقق آن در کشورهاشان برآمده بودند.

نتیجه هراس کشورهای منطقه از انقلاب ایران و احساس خطر ابرقدرتها نسبت به ایدئولوژی انقلاب و نفوذ آن در میان کشورهای اسلامی شروع آتش جنگ در منطقه بود. رژیم بعث عراق که از زمان انعقاد عهد نامه مرزی ۱۹۷۵ بدنبال فرصتی بود تا این عهد نامه را فسخ و جاه طلبی های خود را در منطقه تحقق بخشد با این خیال خام که ایران دچار هرج و مرج داخلی است و قادر به مقابله با حمله عراق نمی باشد جنگ را درجهه غرب ایران آغاز کرد.^۴ اگرچه شروع جنگ باعث توجه نیروهای داخل ایران به دفاع از کشور در مقابل تجاوز عراق شد و از شدت اقدامات برای صدور انقلاب و تشکیل ام القرای اسلامی کاست؛ اما بحث انقلاب در دولت های محافظه کار منطقه در میان شهروندان آنها زنده ماند. لذا علی رغم تصور ابرقدرت ها درخصوص نقش ایران در بی ثباتی های این

۱ - علی اکبر ولایتی، «پیش گفتار»، فصلنامه سیاست خارجی، سال اول، شماره ۱، (دی و اسفند ۱۳۶۵)، ص ۳

۲ - رهیافت سیاسی دولت ایران بعد از جنگ بر این مینا بود که اگر ما بتوانیم کشوری پیشرو و توسعه یافته با حفظ معنویت انقلابی و ارزش های اسلامی به جامعه ی جهانی ارایه دهیم، رغبت و توجهی که دیگر کشور های اسلامی و جهان سومی و... برای تقلید از این کشور نمونه خواهند داشت، به معنی واقعی صدور انقلاب اسلامی است. در چارچوب چنین شرایطی، این معنی تفهیم می شود که اسلام قادر به تنظیم زندگی مادی و معنوی و نیز اعتلای کل بشریت است.

۳ - محمد جواد لاریجانی، مقالاتی در استراتژی ملی، (تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹)؛ صص ۴۰-۳۹

۴ - ر.ک: نسرين مصفا و ديگران، تجاوز عراق به ايران و موضعگيري سازمان ملل متحد، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶)

کشورها و اینکه با آغاز جنگ این روند متوقف می شود موج اسلامگرایی همچنان در منطقه گسترش یافت. در طول این سالها ایران مبنای استراتژی نظامی خود را بر دفاع از کشور و تمامیت ارضی قرار داده بود و می کوشید تا نتیجه جنگ را در میدان نبرد و نه سازمان ملل مشخص سازد.^۱ لذا عدم پذیرش شروط ایران برای پذیرش آتش بس مبنی بر شناسایی دولت متجاوز از سوی سازمان ملل و پرداخت غرامت از سوی دولت عراق منجر به آن گردید تا جنگ تداوم یابد.^۲ در واقع کشورهای غربی بیش از آنکه بدنبال پایان جنگ باشند امید داشتند تا با افزایش فشارها بر ایران و ادامه جنگ، نظام ایران فروپاشد اما زمانی که دریافتند این خواسته محقق شدنی نیست به روش های مختلف کوشیدند تا ایران را مجاب به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازند. ایران که هشت سال جنگ طاقت فرسا را تحمل نموده بود در شرایطی که بلحاظ نظامی با کاهش مهمات و ادوات جنگی و بلحاظ اقتصادی با تحریم ها و فشارهای اقتصادی مواجه بود^۳ بناچار پایان جنگ را پذیرفت و «جام زهر» را نوشید.

در طول این مدت آنچه استراتژی نظامی ایران در جبهه های جنگ را شکل می داد بر اساس دو دکترین زیر بود:

۱- دکترین دفاع مقدس

۲- دکترین جنگ پیرامونی

دکترین نخست برگرفته از اندیشه های نظامی امام خمینی بود. بر طبق این دکترین جنگ ایران و عراق نوعی دفاع مقدس بود که بعنوان یک وظیفه و تکلیف همیشگی، همگانی و مستمر برای مقابله با ظلم و ستم و بی عدالتی و تجاوز صورت می گرفت. رکن عمده این دکترین را دفاع از عقیده و ایدئولوژی اسلامی (جنگ عقیدتی) و مرکزیت ایران بعنوان مرکز این نظام اعتقادی شکل می داد.^۴

دکترین دومی که در طول ۸ سال جنگ مورد استفاده قرار گرفت دکترین جنگ پیرامونی بود. این دکترین بیانگر بکارگیری نیروهای طرفدار انقلاب اسلامی در خارج از مرزها علیه منافع و امکانات دشمن بود. موقعیت و شرایط پس از انقلاب اسلامی ایران و بازتاب های جهانی انقلاب و خیزش و حرکت گروههای متعدد انقلابی و مردمی در

۱- ر.ک: شهرام چوبین، «صلح پس از جنگ»، ترجمه جعفر خیرخواهان، روزنامه اخبار اقتصاد، (۱۳۷۸/۷/۱)

۲- در بررسی چگونگی شروع و خاتمه جنگ یکی از تحلیل های مهم و قابل توجه ساختار نظام بین الملل و رقابت های دو ابرقدرت می باشد.

۳- ر.ک: انتشار نامه محرمانه امام خمینی در باره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ پس از ۱۸ سال، (۷ مهر ۱۳۸۵)، قابل دسترس در وب سایت: http://www.motalebe.ir/index.php?action=show_news&news_id=۲۱۸۵ (13/8/2008)

۴- محمد حسین جمشیدی، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، (تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عال جنگ، ۱۳۸۰)، ص ۶۰۲

منطقه و تهدید انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از سوی کشورهایی که منافع آنها در اثر وقوع این پدیده به خطر افتاده بود باعث پیدایش چنین دکترینی گردید.^۱

اما علی رغم رشادت های سربازان ایرانی در جنگ باید گفت پایان جنگ به پایان تهدیدات علیه ایران منجر نشد و ایران نتوانست به مقاصد خود از ادامه جنگ که سرنگونی صدام حسین از قدرت بود دست یابد. لذا پس از جنگ رژیم بعث همچنان در عراق بر سر قدرت باقی ماند و سیاست های مخفی تسلیحاتی آن به مهمترین تهدید برای امنیت ملی ایران تبدیل گردید. این در حالی بود که طی سالهای بعد حوادث منطقه ای خطرناکی دیگری پیش روی ایران نهاد. قدرت گیری طالبان در افغانستان، تقویت روابط ترکیه و اسرائیل، گرایش آذربایجان به ناتو و تداوم میزبانی همسایگان جنوبی از نیروهای بیگانه بخشی از این تهدیدات جدید بودند. به موازات این تهدیدات فشارهای ایالات متحده بر ایران نیز تداوم پیدا کرد. ایالات متحده که در سالهای نخست پس از انقلاب تلاش نمود از طریق ایجاد شکاف در بین نیروهای انقلابی، حمایت از کودتای نوژه، تحریک عراق در آغاز جنگ، اتخاذ سیاست سکوت و تقویت تسلیحاتی عراق، تحریم های اقتصادی و اتهامات مختلف به تضعیف و تغییر حکومت ایران نائل گردد پس از پایان جنگ فشارهای خویش را به شیوه های جدید تداوم بخشید. استراتژی مهار دوگانه (۱۹۹۵-۱۹۹۳)، فرمان اجرایی تحریم های همه جانبه (۱۵ مارس ۱۹۹۵)، قانون مجازات های ایران و لیبی (۱۹۹۹-۱۹۹۶) و فعالیت های براندازانه بخشی از استراتژی جدید آمریکا برای برخورد با ایران بودند.^۲ پاسخگویی به این تهدیدات نیاز به تدوین استراتژی جدید، موثر و کارا ضرورتی حیاتی برای ایران نمود.^۳

ایران «استراتژی تدافعی مبتنی بر دفاع موثر»^۴ را در پیش گرفت که در واقع از دو رکن بازدارندگی و تکیه بر توان مردمی در جنگ تشکیل می شد و کوشید برای آسایش خاطر از خلاء های امنیتی به سوی خودکفایی تسلیحاتی و دستیابی به دانش نظامی روی آورد.^۵ در استراتژی نظامی جدید تاکید گردید:

۱ - همان، ص ۶۰۳

۲ - ر.ک: بهرام نوازی، الگوهای رفتاری ایالات متحده ی آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳)

۳ - نعمت الله فلاحت پشه، شرایط متحول امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران، ۱۳۸۰)، ص ۵۶

۴ - همان، ص ۶۴

۵ - همان، ص ۵۹

اولاً، هر تهدید بالفعل نسبت به هستی نظام در صورت امکان رفع و در غیر اینصورت تلاش گردد تا از طرق مختلف به تهدید بالقوه تبدیل گردد.

ثانیاً، تهدیدات بالقوه از آینده نزدیک به زمان های محتمل بسیار دور منتقل شود.

ثالثاً، برای مقابله با تهدیدات بالقوه «دور» نیز تمهیدات لازم در نظر گرفته شود.

همانگونه که اشاره گردید حضور دو دشمن عمده در شرق و غرب ایران، رژیم طالبان و صدام، ادامه وضعیت نه جنگ و نه صلح ایران با عراق و تداوم لفاظی های صدام در خصوص توسعه ارضی و پان عربیسم، عوامل مهمی بودند که ایران را به در پیش گرفتن این استراتژی سوق دادند. آنچه که پس از یازده سپتامبر بواسطه بروز تهدید جدید تروریسم و گسترش سلاح های کشتار جمعی رخ داد این بود که هر دو رژیم مذکور از قدرت ساقط گردیدند. اما این تغییر شرایط باعث کاسته شدن از تلاش های ایران برای دنبال نمودن استراتژی های بازدارنده نگردید. سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا علیرغم اینکه که طی دو جنگ اخیر در منطقه دو دشمن اصلی ایران یعنی طالبان و صدام از بین رفتند تلاش های ایران در جهت بازدارندگی نه تنها کاهش پیدا نکرده است بلکه شاهد تشدید گرایش به سمت استراتژی های بازدارنده می باشیم. در ادامه تلاش می گردد تا با بررسی ادبیات موجود و مطالعات انجام شده متغیر های دخیل در این زمینه شناسایی گردند.

ب) بررسی ادبیات موجود

در مقابل آنچه که در مورد استراتژی نظامی و امنیت ملی آمریکا می توان در کتاب ها و مقاله ها یافت حجم مطالبی که پیرامون استراتژی نظامی و دفاعی ایران به رشته تحریر درآمده بسیار اندک می باشد که غالباً از حد مطالب نظری صرف فراتر نمی رود. اندک مطالبی نیز که وجود دارد یا ترجمه آثار نویسندگان خارجی است و یا آنقدر کلی است که اشراف لازم برای خواننده و پی بردن به مختصات دقیق استراتژی نظامی ایران را فراهم نمی آورد. البته این موضوع قابل تعمیم به کلیه آثار تالیف شده در این حوزه نمی باشد و می توان در میان این آثار به نوشته هایی برخورد که بلحاظ علمی از ارزش بالایی برخوردار می باشند. در زیر به چند نمونه از آثار نوشته شده در زمینه استراتژی نظامی ایران اشاره می گردد.